

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

﴿﴾

عربی. زبان قرآن (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

کاری از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲

کانال اِحِبُّ الْعَرَبِيَّةَ

@OhebboArabic



الدَّرْسُ الرَّابِعُ برگرد

﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾ [الأنبياء: ۹۲]

بی گمان این امت شماسست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى آسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ أَيِّ الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری از هرگونه بی ادبی استوار است (بوده است) زیرا خداوند می فرماید:

﴿ وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴾ [فصلت: ۲۴]

نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه ای که بهتر است دفع کن که آنگاه (می بینی) کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می شود.

إِنَّ الْفُرْقَانَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُؤُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ (مفردش: کافر)

همانا قرآن به مسلمانان دستور می دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

﴿ وَ لَا تَسْبُؤُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُؤُوا اللَّهَ... ﴾ [الانعام: ۱۰۸]

وآن (قرآن) می فرماید: کسانی را که به جای خدا فرا می خوانند دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند...

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلَهِيَّةَ؛ ﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ

شَيْئاً ﴾ [آل عمران: ۶۴]

اسلام به دین های الهی احترام می گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم (یا فقط خدا را بپرستیم) و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ؛ ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... ﴾ [البقرة: ۲۵۶]

قرآن بر آزادی عقیده تاکید می کند: هیچ اجباری در دین نیست.

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ

تَعَايُشاً سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿ كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴾ [الزوم: ۲۲]

اصرار و پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم لازم است (همه مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا -{هر حزب و گروهی به آنچه دارد، دلشاد است}-.

۱- فاعل: فاعل: ف + أَعْبُدُوا + ن (نون و قایه) + ي (ضمیر)

نون و قایه نونی که میان فعل و ضمیر ای متکلم برای حفظ حرکت آخر فعل فاصله می شود.

۲- و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد. (فولادوند)

۳- «لا» در «أَلَّا نَعْبُدَ وَ لَا نُشْرِكُ»، لای نفی است.

أَلْبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ مَجْمُوعَةً مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

سرزمین‌های (کشورهای) اسلامی مجموعه‌ای از ملت‌های بسیار است که در زبان (زبان‌ها) و رنگ (رنگ‌هایشان) فرق دارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (بلند مرتبه) فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْخُجُرَاتُ ۱۳

ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾ آل عمران ۱۰۲

قرآن به ما دستور به همبستگی (یکپارچگی) می‌دهد. - {وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید}.

يَتَجَلَّىٰ انْحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

همبستگی (یکپارچگی) امت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود. از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج.

الْمُسْلِمُونَ خُمْسٌ سَكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند در مساحتی (پهنایی) گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْأَمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يَفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ فرموده است: هر گاه کسی سخنی گفت که باعث تفرقه مسلمانان شود (هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد)، بدانید که وی یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند در بین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ: وَرَهْرِمَانِ آيَةِ اللَّهِ خَامَنَةَ الْإِسْلَامِ فَرَمُودَةُ اسْت:



مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خواند، مزدور دشمن است. (ترجمه مؤلف)

(هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است.)

*أَكْرَمُ: گرامی‌ترین/ آنقی: پرهیزگارترین/ سَكَّانُ: ساکنان «مفرده ساکن» / لِتَعَارَفُوا ← لِتَعَارَفُوا / لَا تَفَرَّقُوا ← لَا تَفَرَّقُوا

*بیشتر بدانیم: ثُلُث: یک سوم؛ رُبُع: یک چهارم؛ خُمْس: یک پنجم؛ سُدس: یک ششم و ...

برگرد  **المُعْجَم**  برگرد

<p>فَرَّقَ: پراکنده ساخت قَائِد: رهبر «جمع: قَادَة» قَائِم: استوار، ایستاده سَبَّ: دشنام داد سُكَّان: ساکنان سَلْمِي: مُسَالَمَتِ آمیز «سَلْم: صلح» سَوَاء: یکسان عَلَى مَرِّ الْعُصُور: در گذر زمان عَمِيل: مزدور «جمع: عَمَلَاء» فَضْل: برتری، فزونی لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند» مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر خدا</p>	<p>«أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايِشًا سَلْمِيًّا: که همزیستی مسالمت آمیز کنند.» تَفَرَّقَ: پراکنده شد «لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید» جَازَ: جایز شد «لَا يَجُوزُ: جایز نیست» حَبَل: طناب «جمع: حِبَال» حُرِّيَّة: آزادی حَمِيم: گرم و صمیمی خِلَاف: اختلاف خُمْس: یک پنجم دَعَا: فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرا می خوانند» ذَكَرَ: مرد، نر فَرِحَ: شاد</p>	<p>احْتَرَمَ: احترام گذاشت احْتِفَاز: نگاه داشتن إِسَاءة: بدی کردن إِسْتَوَى: برابر شد أَشْرَكَ: شریک قرار داد اعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت) أَكَّدَ: تأکید کرد أُنْثَى: زن، ماده أَيُّ إِسَاءةٍ: هر گونه بدی، هر گونه بی ادبی تَجَلَّى: جلوه گر شد تَعَارَفَ: یکدیگر را شناختن «لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید» تَعَايَشَ: همزیستی داشت</p>
---	--	---

برگرد  **حول النص**

- عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ x
- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ. پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی، برای دفاع از حقیقت جایز است. (غلط x)
 - ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ. پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است. (صحیح ✓)
 - ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايِشًا سَلْمِيًّا. بر همه مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح ✓)
 - ۴- لِيَبْعَثَ الشُّعُوبَ فَضْلًا عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّونِ. برخی از ملت ها به علت رنگ بر بعضی دیگر برتری دارند. (غلط x)
 - ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط x)

باز یاد بگیرید

الفعل الثلاثي المزيد (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.

با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعل، تفعیل، مفاعلة، افعال) آشنا شوید.

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
تفاعل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	التَّفَاعُلُ
تفعیل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	التَّفْعِيلُ
مفاعلة	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	المُفَاعَلَةُ
إفعال	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	فَعِّلْ	إفعال

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۵	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهْ: همانند شو	التَّشَابُهْ: همانند شدن
تفاعل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	التَّفَاعُلُ
۶	فَرَّخَ: شاد کرد	يُفَرِّخُ: شاد می‌کند	فَرِّخْ: شاد کن	التَّفْرِيحُ: شاد کردن
تفعیل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	التَّفْعِيلُ
۷	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالِسْ: همنشینی کن	المُجَالَسَةُ: همنشینی کردن
مفاعلة	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	المُفَاعَلَةُ
۸	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إخراج: بیرون آوردن
إفعال	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	فَعِّلْ	إفعال

شما با حفظ این جدول راحت‌تر می‌توانید به سوالات پاسخ دهید.

مصدر تَعَلَّمَ:	تَعَلَّمَ	تَعَلَّمْ ✓	تعلیم
ماضي يُحَاوِلُ:	تَحَوَّلَ	حَوَّلْ	حَاوَلْ ✓
امر تُرْسِلُ:	أَرْسَلْ	أَرْسِلْ	أَرْسَلْ ✓

بیشتر بدانیم

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها فقط از سه حرف اصلی است، ثلاثی مجرد گویند. فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف اصلی است، ثلاثی مزید گویند. ثلاثی مجرد وزن خاصی ندارند ولی ثلاثی مزیدها وزن خاص دارند (قیاسی هستند).

مهمترین وزن‌های ثلاثی مزید عبارتند از:

إفْعَالٌ ، تَفْعِيلٌ ، مَفَاعِلَةٌ ، تَفَاعُلٌ ، تَفَعَّلٌ ، إِفْتِعَالٌ ، إِنْفِعَالٌ ، إِسْتِفْعَالٌ
 (الف) باب‌های إفعال ، تفعیل ، مفاعلة : دارای ۱ حرف زائد.
 باب‌های تفاعل ، تفعَّل ، إفعال و إفتعال : دارای ۲ حرف زائد.
 باب إستفعال دارای ۳ حرف زائد است.

الف) بررسی باب‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آن‌ها علاوه به حروف اصلی **یک حرف زائد** دارند: إفعال و تفعیل و مفاعلة

✓ حروف مضارعه (أ ت ی ن) در باب‌های «إفعال، تفعیل و مفاعلة» ضمه دارند. (يُفَعِّلُ، يُفَعَّلُ، يُفَاعِلُ)

۱ و ۲- باب إفعال و تفعیل: این باب معمولاً برای متعدی کردن افعال لازم به کار می‌روند.

نَزَلَ (= نازل شد) فعل لازم

أَنْزَلَ - نَزَّلَ (= نازل کرد) فعل متعدی

فعل لازم (فعلی که با فاعل معنایش تمام شود؛ همان فعل ناگذرا در زبان فارسی را گویند).

فعل متعدی (فعلی که علاوه بر فاعل، مفعول می‌خواهد تا معنایش تمام شود؛ همان فعل گذرا در زبان فارسی را گویند).

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ ^{القدر} ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ ^{الفرقان: ۱}

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

✓ فرق أَنْزَلَ و نَزَّلَ :

أَنْزَلَ: یکبار (یکباره) نازل کرد / نَزَّلَ: (به تدریج) نازل کرد

قرآن، یکبار بصورت یکجا بر پیامبر نازل شده است و بار دیگر به صورت تدریجی که مردم از آن آگاه شده‌اند. (در زبان عربی، «انزال» برای نزول

دفعی و «تنزیل» برای نزول تدریجی بکار می‌رود.) تفسیر نور، محسن قرائتی، جلد ۴، صفحه ۵۲۶

✓ همزه امر باب افعال بر وزن **أَفْعَلْ**، همیشه مفتوح و مقطوع است.

✓ فعل‌هایی که در باب افعال و تفعیل رفته‌اند ولی همچنان لازم هستند:

أَسْرَعَ: شتافت، آمَنَ: ایمان آورد، أَزْهَرَ: شکوفه داد، فَكَّرَ: اندیشید، صَلَّى: نماز خواند، عَرَدَ: آواز خواند

۳- باب مفاعلة: این باب برای مشارکت به کار می‌رود، مشارکتی یکطرفه به نحوی که یکی فاعل و دیگری مفعول باشد.

كَتَبَ عَلَيَّ كِتَابًا. (=علی نامه‌ای را نوشت.)

كَاتَبَ عَلَيَّ صَدِيقَهُ. (=علی با دوستش نامه نگاری کرد.)

✓ در ترجمه باب مفاعلة، معمولاً از «با» استفاده می‌شود.

✓ مصدر دیگر «مفاعلة» بر وزن «فعال» می‌آید: مُقاتَلَةٌ، قِتال؛ مُجاهِدَةٌ، جِهَاد؛ مُجادِلَةٌ، جِدال؛ مُسابِقَةٌ، سِباق؛ مُحاسِبَةٌ، حِساب؛ مُخالِفَةٌ، خِلاف و ...

✓ مصدر دیگر «تفعیل» بر وزن «تفعلة» می‌آید: تَجْرِبَةٌ، تَسْلِيَةٌ، تَرْبِيَةٌ، تَوْصِيَةٌ، تَذَكِّرَةٌ، تَعْزِيَةٌ، تَكْمِلَةٌ، تَبْصِرَةٌ و ...

ب) باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آن‌ها علاوه به حروف اصلی **دو حرف زائد** (بحرفین زائدین) دارند: تَفَعَّلَ، تَفَاعَلَ، اِنْفَعَلَ، اِنْفَعَلْ

✓ سه باب تَفَعَّلَ، اِنْفَعَلَ و اِنْفَعَلْ برای مطاوعه به کار می‌روند؛ یعنی زمانی که ما چیزی را از کسی بخواهیم و او قبول کند یا بخواهیم تأثیری را در چیزی بگذاریم و آن تأثیر پذیرفته شده باشد.

ع - باب تَفَعَّلَ: این باب معمولاً برای مطاوعه (اثرپذیری) به کار می‌رود .

أَدَبْتُ الْوَلَدَ فَتَأَدَّبَ. کودک را ادب کردم، پس با ادب شد.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْأِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ. یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه‌گر می‌شود.

✓ این باب گاهی به صورت لازم، و گاهی متعدی استفاده می‌شود.

تَذَوَّقِي: چشید؛ تَحَمَّلَ: تحمل کرد؛ تَعَلَّمَ: یاد گرفت، آموخت.

✓ حرف «تاء» در این باب زائد است.

۵- باب تَفَاعَلَ: این باب نیز برای مشارکت دو طرفه به کار می‌رود .

تَكَاتَبَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ = عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ با یکدیگر نامه نگاری کردند .

علی و محمد هر دو در نامه نگاری کردن مشارکت دارند و هر دو فاعل هستند .

*علی فاعل و مرفوع است و محمد معطوف و مرفوع به تبعیت از فاعل.

✓ در ترجمه باب تفاعل معمولاً از «با یکدیگر، با همدیگر» استفاده می‌شود.

ب) باب تَفَعَّلَ وَ تَفَاعَلَ:

✓ دقت کنید که ماضی این باب با "ت" شروع می‌شود، پس بسیار دقت کنید که در تله نیفتید.

تَفَعَّلَ (ماضی) / يَتَفَعَّلُ (مضارع) / تَفَعَّلْ (امر)

تَفَاعَلَ (ماضی) / يَتَفَاعَلُ (مضارع) / تَفَاعَلْ (امر)

✓ بعضی صیغه های فعل ماضی باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ کاملاً با فعل امر یکسان هستند.

فعل ماضی: هُمَا تَفَعَّلَا - هُم تَفَعَّلُوا - هُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل امر: أَنْتُمَا تَفَعَّلَا - أَنْتُمْ تَفَعَّلُوا - أَنْتُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل ماضی: هُمَا تَفَاعَلَا - هُم تَفَاعَلُوا - هُنَّ تَفَاعَلْنَ

فعل امر: أَنْتُمَا تَفَاعَلَا - أَنْتُمْ تَفَاعَلُوا - أَنْتُنَّ تَفَاعَلْنَ

برای ترجمه و تشخیص آنها، فقط و فقط از سیاق جمله و ضمائر موجود در جمله پی به ماضی و امر بودن آنها می‌بریم.
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾ آیه ۲
ای کسانی که ایمان آورده‌اید در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

☑ گاهی تای مضارع برای سهولت تلفظ حذف می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ الشُّعُرَاتُ ۱۳

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ قدس ۴

در این شب فرشتگان و روح به اذن خدا از هر فرمان نازل می‌شوند.

﴿وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾ آل عمران ۱۰۳

همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید.

«أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ . . . وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»

دین را به پا دارید و در آن تفرقه نکنید، . . . و از آن جدا نشدند مگر بعد از آن که علم به حقانیت آن پیدا کردند به خاطر ستمکاری بین خویش. نهج البلاغه، فیض الاسلام نامه ۵۳.

۶- باب اِنْفَعَال: این باب هم برای مطاوعه (اثرپذیری) به کار می‌رود و صد در صد بصورت لازم استفاده می‌شود.
غَلِقْتُ الْبَابَ فَانْغَلَقَ. در را بستم پس بسته شد.

۷- باب اِفْتِعَال: این باب نیز معمولاً برای مُطَاوعَة به کار می‌رود.

﴿وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ...﴾ نیکی و بدی برابر نمی‌شوند.

مصادری مانند: «استلام، استماع، استتار، استناد، استراق، استواء» همگی از باب افتعال هستند؛ و سه حرف اصلی آنها به ترتیب: «سلم، سمع، ستر، سند، سرق، سوی» است.

☛ فعل های مشابه :

با دقت در حرکات و ضمائر می‌توان پی به نوع فعل برده و در نتیجه درست ترجمه کنیم.

فعل مضارع : اَنَا احْتَرِمُ (من احترام می‌گذارم)

فعل امر : احْتَرِمِ أَنْتَ (تو احترام بگذار)، احْتَرِمَا أَنْتُمَا، احْتَرِمُوا أَنْتُمْ (شما احترام بگذارید)

فعل ماضی : هُوَ احْتَرَمَ (او احترام گذاشت)، هُمَا احْتَرَمَا، هُم احْتَرَمُوا (آن‌ها احترام گذاشتند)

☛ برای تشخیص دو باب افتعال و انفعال :

☑ اگر حرف دوم نون، جزو حروف اصلی باشد و حرف سوم (ت) باشد باب افتعال است ﴿اِكْتَسَابَ﴾ اما کلماتی مثل:

اِنْفَعَال: اِنْتِشَار، اِنْتِصَار، اِنْتِصَاب، اِنْتِبَاه، اِنْتِقَال، اِنْتِخَاب، اِنْتِحَار، اِنْتِقَاد، اِنْتِقَام

در باب انفعال، دو حرف اول زائد هستند: اِنْبِسَاط، اِنْقِلَاب، اِنْجِمَاد، اِنْسِدَاد، اِنْهَاد، اِنْكَسَار، اِنْتِطَاق

ج) بررسی بابی که اولین صیغه ماضی آن دارای سه حرف زائد (بزیاده ثلاثة احرف) هست:

۸- باب استفعال برای طلب و درخواست به کار می‌رود .

مانند: اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ . از خدا آمرزش خواستم .

فعل های اسْتَقَلَّ، اسْتَبَدَّ، اسْتَمَرَّ، اسْتَصَلَّ، ماضی باب استفعال هستند.

همزه امر:

✓ همزه فعل امر در چهار باب «تفعیل و مفاعلة، تَفَعَّل و تَفَاعَل» وجود ندارد؛ امرشان بر وزن «فَعَّل و فَاعَل، تَفَعَّل و تَفَاعَل» می‌آید.

✓ همزه امر در چهار باب «إفْعَال، إفتعال و إنفعال و استفعال» وجود دارد و حرکت همزه در باب افعال، مفتوح و قطع است؛ اما حرکت همزه در باب‌های «إفتعال و إنفعال و استفعال» ، مکسور و وصل است.

✓ حرکت همزه در ثلاثی مزید، به هیچ وجه مضموم (أ) دیده نمی‌شود. پس اگر همزه امری ضمه داشت، حتماً فعل ثلاثی مجرد است.

که اِخْتِیرَ نَفْسَکَ: تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اِکْتُبْ بَابَهَا.

باب	مضارع	ماضی
تفاعُل	يَتَعَامَلُ: داد و ستد می‌کند	تَعَامَلْ: داد و ستد کرد
	مصدر	امر
	تَعَامَلْ: داد و ستد کردن	تَعَامَلْ: داد و ستد کن

باب	مضارع	ماضی
تفَعِيل	يُعَلِّمُ: یاد می‌دهد	عَلِّمْ: یاد داد
	مصدر	امر
	تَعْلِيم: یاد دادن	عَلِّمْ: یاد بده

باب	مضارع	ماضی
مفاعلة	يُكَاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند	كَاتَبْ: نامه‌نگاری کرد
	مصدر	امر
	مُكَاتَبَة: نامه‌نگاری کردن	كَاتَبْ: نامه‌نگاری کن

باب	مضارع	ماضی
إفْعَال	يُجْلِسُ: می‌نشاند	أَجْلَسْ: نشاند
	مصدر	امر
	إِجْلَاس: نشاندن (گردهم‌آیی)	أَجْلِسْ: بنشان

☀ برای مطالعه در خانه ☀

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه است.

مثال هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَارَفْتُ	عَلَّمْتُ	شَاهَدْتُ	أَرْسَلْتُ
«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:			
تَعَارَفْتَ	عَلَّمْتَ	شَاهَدْتَ	أَرْسَلْتَ
«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:			
تَعَارَفْنَا	عَلَّمْنَا	شَاهَدْنَا	أَرْسَلْنَا
«نَا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:			
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ
«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:			
تَعَارَفُوا	عَلَّمُوا	شَاهَدُوا	أَرْسَلُوا
«وَا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:			

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَمَ: تصادف کرد	تَصَادَمُوا: .. تصادف کردند ..
حَرَكَ: حرکت داد	حَرَكَتُمْ: .. حرکت دادید ..
سَافَرَ: سفر کرد	سَافَرْنَا: .. سفر کردیم ..
أَحْسَنَ: نیکی کرد	أَحْسَنْتُمْ: .. نیکی کردید ..

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أُ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند:	أَتَعَارَفُ	أَعَلِّمُ	أُشَاهِدُ	أُرْسِلُ
«تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند:	تَتَعَارَفُ	تُعَلِّمُ	تُشَاهِدُ	تُرْسِلُ
«يَ» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند:	يَتَعَارَفُ	يُعَلِّمُ	يُشَاهِدُ	يُرْسِلُ
«نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند:	نَتَعَارَفُ	نُعَلِّمُ	نُشَاهِدُ	نُرْسِلُ
«تَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:	تَتَعَارَفُونَ	تُعَلِّمُونَ	تُشَاهِدُونَ	تُرْسِلُونَ
«يَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:	يَتَعَارَفُونَ	يُعَلِّمُونَ	يُشَاهِدُونَ	يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

یَعْوِضُ: جبران می کند	يَعْوِضُونَ: جبران می کنند.
يُعَامِلُ: رفتار می کند	تُعَامِلُونَ: رفتار می کنید.
يُخْرِجُ: خارج می کند	يُخْرِجُونَ: خارج می کنند.
تَبَادَلُ: داد و ستد کرد	تَتَبَادَلُونَ: داد و ستد می کنی

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده اید.

یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«ن» در « اِفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَلْ، فَاعِلْ، اُفْعِلْ » مانند:	اِذْهَبْ	تَشَابَهْ	فَرِحْ	جَالِسْ	اُخْرِجْ
«ی» در « اِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فَاعِلِي، اُفْعِلِي » مانند:	اِذْهَبِي	تَشَابَهِي	اِكْتَسَبِي	جَالِسِي	اُخْرِجِي
«و» در « اِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فَاعِلُوا، اُفْعِلُوا » مانند:	اِذْهَبُوا	تَشَابَهُوا	اِكْتَسَبُوا	جَالِسُوا	اُخْرِجُوا
«ن» در « اِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فَاعِلْنَ، اُفْعِلْنَ » مانند:	اِذْهَبْنَ	تَشَابَهْنَ	اِكْتَسَبْنَ	جَالِسْنَ	اُخْرِجْنَ
«ا» در « اِفْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فَاعِلَا، اُفْعِلَا » مانند:	اِذْهَبَا	تَشَابَهَا	اِكْتَسَبَا	جَالِسَا	اُخْرِجَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمُونَ: سلام می کنید	سَلِّمُوا: سلام کنید
تَتَعَارَفْنَ: آشنا می شوید	تَعَارَفْنَ: آشنا شوید
تُشَارِكَانَ: شرکت می کنید	شَارِكَا: شرکت کنید
تُحْسِنِينَ: نیکی می کنی	أَحْسِنِي: نیکی کن

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز برگرد

❏ في صَلَاةِ التَّفْتِيْشِ بِالْجَمَارِكِ ٢

در سالن بازرسی در گمرک

❖ الشَّرْطِيُّ الْجَمَارِكِ (پلیس گمرک)	❖ الرَّائِزَةُ. (خانم زائر)
اجلبي هذه الحقيبة إلى هنا . - این چمدان را به اینجا بیاور.	علی عینی، یا آخی، ولكن ما هي المشكلة؟ - به روی چشم برادر، اما مشکل چیست ؟
تفتيش بسيط . بازرسی ساده	لا بأس . - اشکالی ندارد.
عفوًا؛ لمن هذه الحقيبة؟ - ببخشید این چمدان مال کیست؟	لأسرتي . - متعلق به خانواده‌ام (مال خانواده‌ام) است.
افتحها من فضلك ٣ . - لطفا باز کن.	تفضل، حقيبتی مفتوحة للتفتيش . - بفرما چمدانم برای بازرسی باز است.
ماذا في الحقيبة؟ - چه چیزی در چمدان است؟	فرشاة الأسنان و المعجون و المنشفة و الملابس... - مسواک و خمیر دندان و حوله و پوشیدنیها (لباسها)
ما هذا الكتاب؟ - این کتاب چیست؟	ليس كتابًا؛ بل دفتر الذكريات ٤ . - کتاب نیست دفتر خاطره است.
ما هذه الحبوب؟ - این قرص‌ها چیست ؟	حبوب مهدئة، عندي صداع . - قرص‌های آرام بخش است، سر درد دارم.
هذه، غير مسموحة . - این غیرمجاز است (ممنوع است)	و لكن أنا بحاجة إليها جدًا . - اما من به آنها خیلی احتیاج دارم.
لا بأس . - اشکالی ندارد.	شكرًا . - متشکرم.
اجمعها و اذهب . - جمعشان کن و برو.	في أمان الله . - در امان خدا

١- صالَة: سالن ٢- جَمَارِك: ج جَمْرُك=گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِكْرِيَات: خاطرات

❏ صالَة= قاعة = سالون (سالن) / مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءً (لطفاً) / مَسْمُوحٌ ≠ مَمْنُوعٌ

که التمارین برگرد

● التمرین الأول: أی کلمة من کلمات الجديدة للدرس، تناسب التوضیحات التالية؟

۱- رئیس البلاد، الذي يأمر المسؤولين و ينصحهم لإداء واجباتهم. ﴿٤﴾ (القائد : رهبر)
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می‌دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند.

۲- إدارة مسؤولة عن الصادرات إلى الخارج و الواردات إليها. ﴿٤﴾ (الجمارك : گمرک)
اداره‌ای که در قبال صادرات به خارج و واردات به آن پاسخگو و مسئول است.

۳- عرفَ البعض البعض الآخر. ﴿٤﴾ (تعارف: با یکدیگر آشنا شدند)
با یکدیگر آشنا شدند.

۴- الذي يعمل لمصلحة العدو. ﴿٤﴾ (العميل : مزدور)
کسی که برای مصلحت دشمن کار می‌کند.

۵- جزء واحد من خمسة. ﴿٤﴾ (الخمس : یک پنجم)
یک جزء از پنج

● التمرین الثاني: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان»

سواء / الشعب / يجوز / قائمة / فضل / لدي / من دون

۱- جوال تفرغ بطارته خلال نصف يوم.
ترجمه: تلفن همراهی دارم که باطری آن در نصف روز خالی می‌شود.
پاسخ: لَدَيَّ (= عِنْدِي): دارم

۲- زملائي في الدرس على حد
ترجمه: همکلاسی‌هایم در درس در یک حد مساوی هستند.
پاسخ: سواء: مساوی، یکسان

۳- لصديقي في حسن الخلق.
ترجمه: دوستم در خوش اخلاقی برتری دارد.
پاسخ: فَضْلًا: برتری، فزونی

۴- لا يقبل الإيراني أي ضغط.
ترجمه: ملت ایران هیچ فشاری را نمی‌پذیرد.
پاسخ: الشَّعْبُ: ملت

۵- لا تعبّدوا الله أحداً.
ترجمه: کسی را به غیر خدا عبادت نکنید.
پاسخ: مِنْ دُونِ: به جای، به غیر

● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعَلَّمُ أَنْ ... : آیا می‌دانی که ...)



۱- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلٍ؟
زرافه در یک روز نمی‌خوابد مگر کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله؟



۲- ... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟
قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان‌های جهان است؟



۳- ... الصِّينِ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟
چین اولین کشور در جهان است که پول‌های کاغذی را به کارگرفت؟



۴- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟
اسب می‌تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟



۵- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشْرِهِ؟
بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ حَرْبٍ^۱ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا^۲، وَ لَا تَمُوتُوا^۳ جَهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزِي^۴ عَلَى الْجَهْلِ.

ترجمه: دلی که در آن چیزی از حکمت نباشد مانند خانه‌ای مخروبه است، پس علم یاد بگیرد و یاد بدهد و بفهمد، و نادان نمی‌یرد؛ زیرا خداوند عذر نادانی را نمی‌پذیرد.

پاسخ: عَلِّمُوا: فعل امر (از کسره‌ای که روی لام هست و معنا متوجه می‌شویم) / لَا يَعْزُرُ: فعل مضارع منفی

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ.

ترجمه: علم را یاد بگیرید و به خاطر علم آرامش و متانت را یاد بگیرید و فروتنی کنید در برابر کسی که از او علم یاد می‌گیرید و در برابر کسی که به او علم یاد می‌دهید.

پاسخ: تَعَلَّمُوا: فعل امر / تَوَاضَعُوا: فعل امر (نوع فعل این گونه از فعل‌ها در باب تَفَعَّلَ و باب تَفَاعَلَ را فقط از معنا و سیاق جمله می‌توان متوجه شویم) / تَتَعَلَّمُونَ: فعل مضارع تَعَلَّمُونَ: فعل مضارع

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ^۱ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ^۲ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكْتَهُ^۳ نَفَعَكَ.

ترجمه: حکایت مؤمن همانند عطّار است؛ اگر با او هم‌نشینی کنی به تو سود می‌رساند؛ و اگر با او همکاری کنی به تو سود می‌رساند.

پاسخ: شَارَكَتَ: فعل ماضی (تای کشیده «ت»: نشانه فعل ماضی است)

۴- الْأُمُومِنُ مَن آمَنَهُ^۸ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ^۹ وَ أَمْوَالِهِمْ.

ترجمه: مومن کسی است که مردم او را بر خون‌ها و اموالشان امین بدانند.

بیشتر بدانیم: آمَنَ: فعل ماضی من باب إفعال (أُ أَمَّنَ ← آمَنَ)

۵- لَا تَجْتَمِعُ حَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْذُ.

ترجمه: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل (خساست) و دروغ

پاسخ: لَا تَجْتَمِعُ: فعل مضارع منفی

- ۱- حَرَب: ویران
 ۲- تَفَقَّهُوا: دانش بیاموزید
 ۳- لا تَمُوتُوا: نمیرید
 ۴- جُهَال: نادانان «مفرد: جاهل»
 ۵- لا يَعْذِرُ: عذر نمی پذیرد
 ۶- إِنْ جَالَسْتَهُ: اگر با او همنشینی کنی
 ۷- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اگر با او همراهی کنی
 ۸- أَمَنَهُ النَّاسُ: مردم او را امین بدانند
 ۹- دِمَاء: خون‌ها (جان‌ها) «مفرد: دم»
 به قول سعدی: کمال همنشین در من اثر کرد / وگر نه من همان حاکم که هستم

الْتَّمِرِينَ الْخَامِسُ: تَرْجِمَ أَفْعَالٌ هَذَا الْجَدُولِ وَ مَصَادِرَهَا.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْمَصَدَرُ	الْأَمْرُ
أَنْتَجَ: تولید کرد	يُنْتَجُ: تولید می‌کند	إِنْتِاج: تولید کردن	أَنْتِجْ: تولید کن
شَجَّعَ: تشویق کرد	يُشَجِّعُ: تشویق می‌کند	تَشْجِيع: تشویق کردن	شَجِّعْ: تشویق کن
سَاعَدَ: کمک کرد	يُسَاعِدُ: کمک می‌کند	مُسَاعَدَة: کمک کردن	سَاعِدْ: کمک کن
تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد	يَتَسَاقَطُ: پی در پی می‌افتد	تَسَاقُط: پی در پی افتادن	تَسَاقُطْ: پی در پی بیوفت
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	اسْتِخْدَام: به کار گرفتن	اسْتَخْدِمْ: به کار بگیر
انْتَفَعَ: سود برد	يَنْتَفِعُ: سود می‌برد	انْتِفَاع: سود بردن	انْتَفِعْ: سود ببر
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد	تَعَلُّم: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر
انْكَسَرَ: شکسته شد	يَنْكَسِرُ: شکسته می‌شود	انْكَسَار: شکسته شدن	انْكَسِرْ: شکسته شو

نور السماء

الْتَّمِرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمَ الْآيَاتِ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا.

۱- ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ۲۲
 و از آسمان آبی را فرو فرستاد و بدان از میوه‌ها رزق و روزی برای شما بیرون آورد.
 - أَنْزَلَ، أَخْرَجَ ﴿ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب

۲- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵
 خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی‌ها به روشنی در آورد.
 - آمَنُوا ﴿ فعل ماضی، جمع مذکر غایب / يُخْرِجُ ﴿ فعل مضارع، جمع مذکر غایب

۳- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ۵۵
 پس صبر کن (شکیبا باش) که وعده خدا حق است و برای گناه خود آمرزش بخواه.
 - إِصْبِرْ، اسْتَغْفِرْ ﴿ فعل امر، مفرد مذکر مخاطب

۴- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الْأَنْعَام: ۱۰۵
 و به حق آن را نازل کردیم (فروفرستادیم) و به حق نازل شد.
 - أَنْزَلْنَا ﴿ فعل ماضی، متکلم مع الغیر / نَزَّلَ ﴿ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب

۵- ﴿... وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۶۴
 و به آنها کتاب و حکمت را یاد می‌دهد.
 يُعَلِّمُ ﴿ فعل مضارع، مفرد مذکر غایب

۶- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۳۰

گفت من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

- قَالَ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب / أَعْلَمُ فعل مضارع، متکلم وحده / لَا تَعْلَمُونَ فعل مضارع منفی، جمع مذکر مخاطب

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ابراهيم ۴

قُلْ اانتظروا انا منتظرون انعام آیه ۱۵۸

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ توبه ۸۰

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۱۲ شمس: ۱۲۵۱

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ بینه ۴

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرِّ وَالتَّقْوَى مائده ۲

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ يس: ۶۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى

الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ...